

# نگاهی گذرا به مبانی تعلیم و تربیت در رئالیسم اسلامی

## تأثیر مقولات فلسفی بر جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت

دکتر هاشم ندایی  
عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)  
گروه علوم تربیتی

### چکیده

در مقدمه مقاله به ضرورت بحث فلسفه تعلیم و تربیت در کشور اسلامی ایران و ارتباط منطقی بین جهان‌بینی و ایدئولوژی بطور کلی اشاره، و سپس در ادامه مقاله تلاش شده است ارتباط منطقی بین جهان‌بینی یا مقولات فلسفی (هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی) با جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت (اهداف، محتوی، روش و...) نشان داده شود.

در پایان مقاله نیز به عنوان نتیجه‌گیری به این سه مطلب اشاره گردیده است:

- ۱- رئالیسم اسلامی یک نظام تعلیم و تربیت ویژه دارد.
- ۲- مقولات فلسفی رئالیسم اسلامی بر جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت تأثیر مستقیم دارد.

۳- بین هستی‌شناسی رئالیسم اسلامی و علمی که در فرهنگ اسلامی به وجود آمده است، ارتباط آشکاری وجود دارد.

## مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس حکومتی دینی و اسلامی بر اساس تعالیم قرآنی، ضرورت تغییری بنیادین در تمام نظامات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بویژه در نظام تعلیم و تربیت کشور، احساس می‌شد. این ضرورت هم به لحاظ ماهیت فرهنگی، و معنوی انقلاب و هم به لحاظ تأثیرپذیری سایر نظامات از نظام تربیتی بود. این در حالی بود که نظام آموزش و پرورش بجا مانده از دوران قاجاریه بویژه دوران پهلوی، روساخت و تقلیدی از نظام تعلیم و تربیت کشورهای غربی بود که با اعتقادات و فرهنگ اصیل مردم مسلمان هماهنگی نداشت، زیرا نظام تربیتی غرب بر اساس نوعی جهان‌بینی و فلسفه خاص شکل گرفته است و نمی‌تواند با اصول و مبانی جامعه اسلامی هماهنگی داشته باشد. در راستای همین امر اقداماتی از قبیل تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و... صورت گرفت. این نکته بسیار آشکار است که اگر بنا باشد در مورد نظام تعلیم و تربیت کشور، کاری اساسی صورت گیرد، قبل از هر چیز لازم است فلسفه تربیتی مناسب با جهان‌بینی انقلاب اسلامی به وجود آید و سایر جنبه‌های تعلیم و تربیت (هدفها، روش و...) مبتنی بر آن شکل بگیرد تا بدین وسیله از استحکام و انسجام لازم برخوردار گردد و گرنه هر کاری که بدون توجه به این نکته مهم و اساسی صورت گیرد، کاری سطحی، غیر منسجم و بی‌بنیان خواهد بود؛ بر همین اساس، تبیین مبانی و اصول اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی بسیار لازم و ضروری است، اما با توجه به اینکه هر کسی نمی‌تواند مسائل اساسی جهان‌بینی اسلامی را از منابع و متون دینی به آسانی استخراج کند و نظامی فلسفی و تربیتی پدید آورد، پس لازم است به نظر عالمان دینی و حکمای الهی و مسلمان، که مقبولیت لازم را دارا باشند، مراجعه کرد.

برای تحقق این امر در این مقاله سعی شده است تا نظریات دو تن از فیلسوفان و متکلمان بزرگ معاصر اسلامی<sup>۱</sup> یعنی مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری (ره) تحت عنوان رئالیسم<sup>۲</sup> در فلسفه اسلامی مورد بحث قرار گیرد. به این نکته باید توجه کرد که نه تنها این دو فیلسوف بزرگ اسلامی، رئالیست هستند، بلکه تقریباً می‌توان گفت

همه فیلسوفان مسلمان نیز رئالیست هستند و معتقدند اشیا مستقل از ما وجود دارند که بعضی از طریق حواس در ذهن تأثیر می‌کند و ذهن به درک آنها نائل می‌شود و بعضی هم توسط عقل شناخته می‌شود. علاوه بر این، آنان معتقدند غیر از جهان مادی نیز حقایقی وجود دارد که بهره آنها از واقعیت کمتر از مادیات نیست، بلکه بیشتر و بالاتر است و از همه بالاتر، وجود حق تعالی است که در عین مادی بودن، واقعیت‌بخش هر واقعیت‌داری است. چون در مکتب رئالیسم اسلامی، تعلیم و تربیت از نوع حکمت عملی (ایدئولوژی) و مقولات فلسفی (جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، شناخت‌شناسی و...) از نوع حکمت نظری (جهان‌بینی) است، لذا قبل از بحث از چگونگی این ارتباط، لازم است ارتباط بین جهان‌بینی و ایدئولوژی از دیدگاه این مکتب مورد اشاره قرار گیرد.

### ارتباط منطقی جهان‌بینی و ایدئولوژی

از دیدگاه رئالیسم اسلامی یک رابطه کاملاً منطقی بین جهان‌بینی (دیدگاه‌های کلی نسبت به هستی) و ایدئولوژی برقرار است؛ چنانکه استاد شهید مطهری در بحث از جهان‌بینی این مطلب را بخوبی بیان می‌کند:

... می‌دانیم که هر مکتب و ایدئولوژی برای نجات و رهایی بشر یک سلسله ارزشها و بایدها و نبایدها در سطح فرد یا جامعه می‌آورد... ولی این بایدها و نبایدها بر فلسفه خاصی متکی است که آنها را توجیه می‌نماید؛ یعنی اگر مکتبی، یک سلسله دستورها و فرمانها مقرر می‌دارد ناچار بر نوعی فلسفه و جهان‌بینی در باره هستی، جهان، جامعه و انسان متکی است.

... که چون هستی چنین است و جامعه چنان است، پس باید این چنین و آن چنان بود... ایدئولوژی بر پایه جهان‌بینی استوار است... چرای ایدئولوژی در جهان‌بینی که آن ایدئولوژی بر آن استوار است، نهفته است و به اصطلاح ایدئولوژی از نوع حکمت عملی است و جهان‌بینی از نوع حکمت نظری. هر نوع خاصی از حکمت عملی بر نوعی خاص از حکمت نظری مبتنی است.<sup>۳</sup>

## توضیح و تعریف مبانی تعلیم و تربیت

آنچه در اینجا به عنوان مبانی تعلیم و تربیت، مورد نظر است، در واقع همان مقولات فلسفی است. (مقولات هستی‌شناسی، \*خداشناسی، \*\*انسانشناسی، \*\*\*ارزش‌شناسی \*\*\*\* و شناخت‌شناسی \*\*\*\*\*، به عبارت دیگر جهان‌بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسائل تربیتی در این دیدگاه<sup>۲</sup> است و این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می‌تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن تأثیر بسزایی داشته، آن را به عنوان یک نظام خاص تعلیم و تربیت مطرح کند؛ یعنی حکمت عملی که شامل اخلاق، تعلیم و تربیت، حقوق و... است بر حکمت نظری (مقولات و مسائل نظری و فلسفی) مبتنی است - بعداً به چگونگی این ارتباط اشاره خواهد شد - با توجه به این مقدمه، مبانی تعلیم و تربیت رئالیسم اسلامی را می‌توان بطور کلی به شرح زیر تعریف کرد:

دیدگاه‌های کلی رئالیسم اسلامی در بارهٔ هستی، خدا، انسان، ابعاد وجود او، شناخت و دانش (نگرشهای کلی، مقبولات و پیش‌فرضها نسبت به جهان هستی) است که پایه و اساس تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد.

اگر بخواهیم تعریف خلاصه‌تری را بیان کنیم، می‌توان گفت مبانی تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های رئالیسم اسلامی، نسبت به انسان، حقیقت و ابعاد وجودی، هدف از آفرینش کمال‌نهایی و کیفیت حرکت او به سوی مقصد نهایی (قرب الی...) است.

## ارتباط بین مقولات فلسفی و جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت

از دیدگاه رئالیسم اسلامی چون بین جهان‌بینی (مقولات فلسفی) و ایدئولوژی یک رابطه منطقی وجود دارد، در تعلیم و تربیت (که از نوع ایدئولوژی است) نیز می‌توان چنین ارتباطی را بخوبی نشان داد.

همان‌گونه که در تعریف مبانی مشاهده شد، جهان‌بینی یک مکتب بویژه نوع نگرش

\*- Ontology

\*\*- Theologg

\*\*\*- Anthropology

\*\*\*\*- Axiology

\*\*\*\*\*- Epistemology

آن به "انسان" تأثیر بسیار عمیقی در جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت دارد، زیرا انسان موضوع تعلیم و تربیت است؛ پس در آغاز باید به این پرسش، پاسخ گفت که انسان چیست؛ دارای چه ویژگی‌هایی است؛ شئون و استعداد‌های او کدام است؟ هدف نهایی وی چیست؟ اصولاً چه تیپ انسانی می‌خواهیم تربیت کنیم؟ لذا پس از روشن شدن این مسائل و سؤالات است که می‌توان به سراغ تعلیم و تربیت رفت و نظام تربیتی مناسبی را تأسیس کرد.<sup>۵</sup>

اصولاً مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری قبل از طرح مباحث اخلاقی و تربیتی و در آغاز به بحث در باره جهان‌بینی خود پرداخته و بویژه بحث از انسان را به عنوان مرکز مباحث خویش قرار داده‌اند.

### تحلیل مطلب

در مورد ارتباط بین مقولات فلسفی و جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت بطور کلی (در جهان‌بینی‌های گوناگون) بحث در باره این مسأله به تفصیل صورت می‌گیرد (چنانکه در کتابهای فلسفه تعلیم و تربیت در باره آن بحث می‌شود) اما در این مقاله به جهت رعایت اختصار، تنها به تحلیل برخی موارد از دیدگاه رئالیسم اسلامی خواهیم پرداخت: بر اساس حرکت جوهری در رئالیسم اسلامی، انسان و جهان دائماً در حرکت و شدن به سوی تکامل خود هستند و وسیله این تکامل نیز تعلیم و تربیت است؛ بنابراین، روابط انسان و کنش و واکنش متقابل او نیز دائماً دستخوش تغییر است.

### تأثیر هستی‌شناسی بر تعلیم و تربیت

می‌توان گفت مقوله هستی‌شناسی (جهان‌شناسی و خداشناسی) رئالیسم اسلامی بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر دارد اما تأثیر مستقیم آن بر هدفها و در مرتبه بعدی بر محتواست. در باره هدف به این نکته باید اشاره کرد که هدف غایی و نهایی تعلیم و تربیت در این مکاتب بر اساس هستی‌شناسی خاص آن، که هدف کلی همه آفرینش را قرب الی... می‌داند، تعیین می‌شود؛ یعنی هدف تعلیم و تربیت نیز قرب الی... و پرورش

عبدصالح است و این هدف والا و مهم، جهت هدفهای کلی (متوسط یا مرحله‌ای) و جزئی (اجرایی)<sup>۷</sup> تعلیم و تربیت را تعیین می‌کند؛ لذا می‌توان گفت نظام تربیتی رئالیسم اسلامی "خدا محور" است و توحید (خدا محوری) بر کل دستگاه تربیتی و جنبه‌های مختلف آن حاکم است.

درباره تأثیر مقوله هستی‌شناسی بر محتوای تربیتی نیز می‌توان گفت اصولاً محتوای تربیتی و آموزشی به آسانی از هدفهای تربیت قابل تفکیک نیست؛ به همین جهت محتوای تربیتی نیز بعد از اهداف، بیشترین و مستقیمترین تأثیر را از هستی‌شناسی می‌پذیرد. منع و تحریم آموزش مسائلی مانند جادو و طلسم، صورت‌سازی و تکیه بر رشد عقلانی و اخلاقی و... مثالهایی است که می‌توان بدانها اشاره نمود که از دیدگاه متافیزیکی مکتب رئالیسم اسلامی متأثر است.

### تأثیر انسانشناسی بر تعلیم و تربیت

چنانکه قبلاً اشاره شد، انسان به عنوان موضوع تعلیم و تربیت، نقش بسیار اساسی و تعیین‌کننده‌ای در نظام تربیتی دارد و هر نوع نگرشی به آن می‌تواند تأثیر خاص و مستقیم و انکارناپذیری داشته باشد.

چون در دیدگاه رئالیسم اسلامی، انسان موجودی با دو ویژگی مهم و اساسی عقل<sup>۸</sup> (علم) و ایمان است، لذا بر آموزشهای معنوی و اخلاقی و رشد قدرت عقلانی و قوه تفکر انسان تأکید فراوانی شده است.

همچنین از آنجا که مسأله فطرت انسانی در نظر رئالیسم اسلامی ام‌المعارف<sup>۹</sup> نامیده شده است، در نظام تربیتی نیز احیای فطرت انسانی را آرمان تربیت دانسته، آن را یکی از اصول اساسی تعلیم و تربیت می‌دانند.

چون در انسانشناسی این مکتب نوع انسان در انسانیت یکسان است و تفاوتی ندارد و هر آنچه می‌تواند رشد استعدادها و تواناییهای نوع انسان را فراهم آورد، به همه نوع تعلق دارد و هیچ فردی از افراد انسانی نباید از آن محروم گردد، و یکی از این موارد

مشترک، عمومیت و همگانی بودن حق تعلیم و تربیت است که به نوع انسان برمی‌گردد<sup>۱۰</sup> و متعلق به نوع انسان است، لذا همگان باید حق بهره‌مندی از این نعمت عظمای الهی را داشته باشند. در این دیدگاه نه تنها همه انسانها حق بهره‌مند شدن از آموزش و پرورش را دارند، بلکه بالاتر از این فراگیری علم و دانش مورد نیاز جامعه، یک فریضه است.

مرحوم علامه طباطبایی در همگانی بودن کسب علم و دانش برای همه انسانها به جهت اشتراک در نوع (یعنی اینکه نوع انسان ویژگی خاصی دارد) بطور اساسی و جوهری هرگونه تفکر تبعیض‌آمیز را در این باره طرد می‌کند، زیرا از نظر نوع بین هیچ گروهی از انسانها (زنان، مردان، بردگان و...) تفاوتی وجود ندارد تا بتوان بر اساس آن این حق را از آنان سلب کرد.

طبق این نظریه هرگونه محروم کردن و روا داشتن تبعیض (در امر تعلیم و تربیت) کاری غیر اصولی و طبعاً با طبیعت انسانی مخالف است.

### تأثیر شناخت‌شناسی بر تعلیم و تربیت

در زمینه تأثیر شناخت‌شناسی بر تعلیم و تربیت، می‌توان گفت این مقوله تقریباً بر همه جنبه‌های تربیتی اثر می‌گذارد؛ بویژه تأثیر مستقیمی بر روش و متد دارد. این مطلب مبرهن است که مسأله یادگیری و چگونگی آن به چگونگی حصول علم، ابزار و منابع علم برمی‌گردد و نهایتاً اینکه ماهیت شناخت چیست، و ظرفیتهای شناختی انسان چیست و... رئالیسم اسلامی در بحث معرفت بر شناختهای فطری و علم حضوری تأکید دارد و حصول علم و ادراک را درونداد حسی (که از حس آغاز می‌شود) و با سازماندهی عقل (حالت ابداعی نفس)، توأمان می‌داند، لذا هم بر روش تجربی و هم استدلال در یادگیری تأکید می‌ورزد. از طرفی چون ادراک در دیدگاه رئالیسم اسلامی، از خواص روح است و روح نیز شامل قوای ادراکی و تحریکی است، لذا در این مکتب به پرورش عقل و تفکر اهمیت خاصی داده شده است، چون علم را ارتجالی نمی‌داند بلکه معتقد است باید از طریق تعلیم و تربیت حاصل گردد.

### تأثیر ارزش‌شناسی بر تعلیم و تربیت

مقوله ارزش‌شناسی نیز بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت اثر دارد. اصولاً ارزشهای اخلاقی، روح نظام تربیتی در رئالیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد و مانند خونی در تمام پیکره دستگاه تعلیم و تربیت جاری است. کمال انسان در این دیدگاه در گرو کسب فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و تقویت گرایشهای فطری است (گرایش به زیبایی، خیر و...) لذا در تربیت نیز کمال انسان را قرب خداوندی می‌دانند و این است که به آموزشهای اخلاقی بسیار اهمیت می‌دهند و اصولاً تهذیب و ترکیه و پرورش اخلاقی را بر آموزش و فراگیری دانش مقدم می‌دانند (این تقدّم، تقدّم رتبی است).

### نتیجه‌گیری

از مطالبی که در این قسمت بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

اولاً: مقولات فلسفی رئالیسم اسلامی (هستی‌شناسی، خداشناسی و...) بر تعلیم و تربیت آن تأثیر مستقیم دارد؛ به عبارت دیگر بین مقولات فلسفی (حکمت نظری) و جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت (حکمت عملی) ارتباط منطقی وجود دارد (البته برخی از مقولات بر بعضی از جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر مستقیمتر و بیشتری دارد).

ثانیاً: با توجه به نظریات بررسی شده به این مطلب نیز می‌توان اشاره کرد که رئالیسم اسلامی دارای یک نظام ویژه تربیتی است؛ چنانکه استاد شهید مطهری نیز به این مسأله اشاره دارند: "یک مکتب که دارای هدفهای مشخص است و مقررات همه جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی و اقتصادی و سیاسی دارد نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد" لذا رئالیسم اسلامی دارای یک نظام تربیتی خاص است که بر جهان‌بینی آن مبتنی است و کمال این نظام تربیتی نیز به کمال و برتری نظام فلسفی (جهان‌بینی) آن بر می‌گردد که نظامی است همه جانبه و عالی (حکمت متعالیه).

ثالثاً: از مباحثی که گذشت به نکته بسیار مهمی در تاریخ و فلسفه علم می‌توان دست یافت و آن ارتباط بین هستی‌شناسی رئالیسم اسلامی و علمی است که در دنیای اسلام به وجود آمده که بخوبی نمایان است.



طبق نظریه هستی‌شناسی مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری که آن را جهان‌بینی "خدا‌محوری" نامیدیم، رابطه نزدیکی بین نظریات کلی در باره هستی با علمی که در جامعه به وجود آمده است، وجود دارد. اصولاً در این دیدگاه، تحقیق در باره علوم بدون توجه به مبانی تفکر رئالیسم اسلامی درباره جهان و چگونگی خلقت و تکوین آن امکان ندارد. وحدت طبیعت (که خاستگاه قسمتی از علوم است) نتیجه مستقیم وحدت مبدأ عالم است و آن چنان که از بررسی دیدگاه‌های مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری استفاده می‌شود، هدف نهایی جهان‌شناسی رئالیسم اسلامی در واقع نمایان ساختن وحدت و پیوستگی جمیع کائنات و تمام مراتب وجود است.

این مسأله بسیار مهم و اساسی است و می‌تواند راه‌گشای علوم باشد؛ زیرا توحید، اساس و پایه جهان‌بینی رئالیسم اسلامی است که در هر شأنی از شئون و مرحله‌ای از مراتب، فرهنگ آن به صورت‌های مختلف ظهور و بروز داشته و دارد.

## یادداشتها

- ۱- در باره مقبولیت این دو متفکر بزرگ (علاوه بر آثار مکتوبشان) مطالب فراوانی را می‌توان ارائه کرد که در اینجا فقط به دو مورد اشاره می‌شود: استاد محمدتقی مصباح، مرحوم علامه را نقطه عطف فرهنگ اسلامی می‌داند: همه می‌دانیم که مرحوم علامه طباطبایی (ره) در فرهنگ اسلامی نقطه عطفی رسم کردند و بعد از ایشان فرهنگ اسلامی در ابعاد اسلامی وارد مرحله جدیدی شد که از جمله این ابعاد، بُعد فلسفی فرهنگ اسلامی بود... ایشان راه‌نویسی در فلسفه گشود و مسائل جدیدی مطرح کرد و برای بسیاری از مسائل که قبلاً مطرح بود راه‌حلهای جدید ارائه داد و به همین دلیل ایشان را نقطه عطفی در فلسفه اسلامی می‌شناسیم. (دومین یادنامه علامه طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۸).
- ۲- در باره عظمت استاد شهید مطهری به قسمتی از پیام امام (ره) در شهادت ایشان اشاره می‌شود: اینجانب به اسلام و اولیای اسلام و... ضایعه اسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی مقام مرحوم حاج شیخ مرتضی مطهری (قدس سره) را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم... مردی که در اسلام‌شناسی و فنون اسلام و قرآن کم نظیر بود...

۲- به این علت فلسفه این دو فیلسوف، رئالیسم اسلامی نامیده شد که خود مرحوم علامه و استاد مطهری، روش خویش را روش رئالیسم نامیده‌اند تا وجه تمایزی با مکتب ایده‌آلیسم داشته باشد و از طرفی چون فلسفه این دو فیلسوف با مکتب معروف به رئالیسم نیز تفاوتها و ویژگیهای منحصر بفردی دارد، لذا می‌توان آن را تحت عنوان رئالیسم اسلامی یا رئالیسم در فلسفه اسلامی (حکمت متعالیه به معنی عام آن) نامید.

- ۳- استاد شهید مطهری (ره)، مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۲۲۶.
- ۴- بر همین اساس بحث تعلیم و تربیت در این دیدگاه، بحث ساختن انسان و به کمال رساندن اوست یعنی پرورش عبد صالح که در اثر نزدیکی به خداوند حاصل می شود و همین امر هدف اساسی فرستادن پیامبران و کتاب و وحی از جانب پروردگار است چنانکه قرآن می فرماید: هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لنی ضلال مبین (سوره جمعه، آیه ۲)
- ۵- این مسائل در بحث انسانشناسی مورد بررسی قرار می گیرد و مقوله ای بسیار اساسی و بنیادی است که باید در بحث از علوم انسانی بطور جدی و قبل از هر مطلبی در نظر باشد.
- ۶- باید اذعان کرد صاحب نظران غربی تعلیم و تربیت در باره فلسفه تربیتی کتابهای فراوانی نوشته و به تفصیل مطالب را بحث کرده اند، اما متأسفانه در کشور ما تاکنون کاری در خور و شایسته صورت نگرفته است.
- ۷- برای تعلیم و تربیت سه نوع هدف می توان در نظر گرفت ۱- هدف غایی (نهایی) ۲- اهداف متوسط یا مرحله ای یا مقطعی ۳- هدف جزئی (اجرایی)
- ۸- استاد مطهری پس از نقد و بررسی تعریفهای ارائه شده از انسان، این تعریف را ارائه می نماید:  
انسان موجودی است دارای علم (عقل) و ایمان.
- ۹- استاد شهید مطهری می گوید: موضوع فطرت تنها ارزش نظری ندارد، یعنی فقط مربوط به ذهن باشد و در عمل به کار نیاید بلکه مطلبی است که بدون شناخت دقیق آن، بینش اسلام در باره انسان مجهول خواهد بود در جزء جزء ایدئولوژی اسلامی ردیابی از فطرت باقی است و بدون توجه به آن ایدئولوژی اسلامی تبیین نمی گردد. (اهتزاز روح، نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات، ۱۳۶۹، ص ۲۹).
- ۱۰- مرحوم علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ۳۲ سوره مائده .... (من قتل نفساً...) این مطلب را بحث می کند (تفسیر المیزان، جلد ۵، نشر رجا، ص ۴۸۲).
- ۱۱- استاد مطهری، تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱، ص ۱۶.

